

نعمتی پُرازش تر از این برای یک جوان وجود ندارد که مورد محبت فردی شریف قرار گیرد و برای یک مرد نیز نعمتی بالاتر از عشق به معشوق وجود ندارد.

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره یک هزار سه صد و شصت و پنج: شنبه ۸ سنبله / شهریور ۱۳۹۳: ۴ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۵: ۳۰ اگست ۲۰۱۴

## بن بست تازه و راه حل های تازه زهر و قند



احمدولی مسعود

مهندسی تقلبات گسترده در انتخابات ۲۰۱۴ چنان به وسعت، همراه با پیچیده گی انجام یافته بود که تیم های تفتیش بین المللی را نیز ناکام ساخت. مهندسی رای مردم از طرف کمیسیون های انتخاباتی به گونه افقی، عمودی، راست و چپ با چنان نقشه های آنچنانی سازمان دهی شده بود که تیم های تخنیکي بین المللی نتوانستند مخرج مشترکی را به حیث معیار و قاعده شفاف سازی آرا و مورد قبول هردو تیم ایجاد نمایند که سرانجام پروسه تخنیکي انتخابات را به ناکامی مطلق رسانید. نتیجه برآمده از این روند هرچه باشد مانند مخلوطی از زهر و قند است که نه برنده میتواند آن را سرکشد و نه بازنده. این روند بیش از این قطعاً نمی تواند، حتی مشروعیت ابتدایی را نیز برای دولت برآمده از این انتخابات...

ادامه صفحه ۶



صفحه ۶

### د کززي د سناريو په دوام:

## د واک میراثي کېدو ته اجازه مه ورکوئ



ورکړي، د همدې لپاره چې په واک کې پاتې شي، دغه ډول سناريو يې طرحه کړه. دواړه نوماندان يې په خپل منځ کې سره واچول...

ادامه صفحه ۶

نور مسايل ټول له مخکې نه پلان شوي کار و. يانې ټاکنې په لوی لاس همداسې يوه بحران ته يوړل شوي؛ خو ولسمشر او ټيم يې ترې خپلې گټې پورته کړي. ټاکنې په لوی لاس دويم پړاو ته يوړل شوي او په دويم پړاو کې د ناورين رامنځته کېدو لپاره په کې پراخې درغلۍ وشوې. ولسمشر کززي پټېلې وه، چې په هېواد کې په ناورين سره به څينې موخې ترلاسه کړي. دا سناريو يوازې د ښاغلي کززي هم نه ده، بلکې د نړيوالې ټولنې يوشمېر سياستوالو او د گاونډيانو هېوادونو مرسته هم ورسره ده، هغوی چې له ښاغلي کززي سره همغږي دي. ولسمشر کززي نه غواړي په هېڅ صورت واک له لاسه

ټاکنيزه پروسه ورو ورو له نويو خنډونو او موانعو سره مخ کېږي، يا په بله مانا کرار کرار د ولسمشر کززي طرحه شوې سناريو د تکامل پړاو ته رسېږي او هره صحنه يې په بلې پسې په برياليتوب عملي کېږي. په ټاکنيزه پروسه کې اوسنۍ شخړې او ناندري ناخاپي نه دي او نه له شته واقعيونو سرچينه اخلي؛ بلکې دا سناريو له ډېر اوږده مهاله د ولسمشر او د هغه د ټيم له لوري طرحه شوي چې اوس په برياليتوب د سټېج پر سر اجرا کېږي. يانې ولسمشر د يوه ښه ډايرکټر په توگه وکولای شول، چې خپله سناريو عملي کړي. د کميسيون اوسني ترکيب، ولسمشر ته د وفاداره کسانو گومارل، په ټاکنو کې پراخې درغلۍ، د رايو تفتيش او

## بحث اشتراک کننده گان



يادداشت: مُدل پيشنهادهی دولت وحدت ملی در افغانستان، از آدرس کنفرانس آجندای ملی، روز پنجشنبه (۲۲ اسد / مرداد) در نشستی در هتل کابل استار ارایه شد.

در این نشست، شماری از نخبگان سیاسی، استادان دانشگاه، نماینده گان مجلس و نماینده گان شماری از سفارتخانه های خارجی مقیم کابل اشتراک کرده بودند. در این سیمینار، نخبگان دانشگاهی و سیاسی، روی چارچوب پيشنهادهی تشکیل دولت وحدت ملی در افغانستان که از سوی کنفرانس آجندای ملی ارایه شده است، به گونه مفصل بحث و گفتو گو کرده و پيشنهادهای شان را به منظور غنامندسازی هرچه بیشتر این طرح، ارایه کردند. متن سخنرانی سخنرانان این نشست، پس از این از روزنامه ماندگار به نشر می رسد

صفحه ۷

### هزاران سند حاوی افشای تقلب

در اختیار سازمان ملل گذاشته شده است



مقامات تیم اصلاحات و همگرایی به خبرگزاری جمهور می گویند، هزاران سند حاوی افشای تقلب گسترده را به تازگی در اختیار مفتشین بین المللی قرار داده اند و نمایندگی ملل متحد نیز تعهد کرده که تفتیش آراء را با دقت بیشتر و با ملاحظه خواسته های تیم اصلاحات و همگرایی، ادامه می دهند.

ادامه صفحه ۶

### در برگ ها



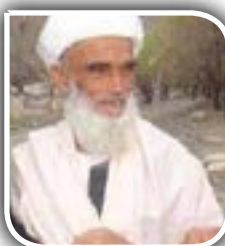
موجی  
خطرناک تر از  
تروریسم!



مکتی بر  
خلافت و  
امارت اسلامی



فوکو،  
«نقد» و  
«روشن گری»



ملا محمد  
اسماعیل  
فرمانده  
دانشمند و  
شجاع

حلیمه حسینی

# موجی خطرناک تر از تروریسم!



## سخن ماندگار

### یخن انتخابات را رها کنید

پس از ظاهرسازی‌های بی‌شماری که رییس جمهور کرزی از خود بروز داد و همه سعی کرد تا عدم علاقه‌مندی‌اش را به ادامه کار سیاسی به مردم افغانستان نشان دهد؛ اینک مراسم تحلیف بار دیگر به تعویق افتاده است. ظاهراً تفتیش آرا زمان بیشتری را در بر می‌گیرد و نماینده سازمان ملل این نکته را به رییس جمهور گوشزد کرده است و این زمینه را به رییس جمهور مساعد کرد تا تحلیف را مدت دیگر به تعویق افکند؛ زیرا در باطن مسئله، این برنامه رییس جمهور کرزی است که موبه‌مو تطبیق می‌شود و همه چیز مطابق میل او به پیش می‌رود.

دلیل ماجرا باز هم همان حکایت تکراری عدم توافق نامزدان است که تا هنوز نتوانسته هیچ یک از میکانیسم‌های سیاسی و تخنیکی را به گونه درست به پایه اکمال برساند.

تیم اصلاحات و هم‌گرایی به دلیل بی‌توجهی و کتمان تقلب از سوی کمیسیون‌های انتخاباتی، پروسه را بار دیگر تحریم کرده و تیم تحول و تداوم نیز به ناچار از محل بازشماری آرا خارج ساخته شده، تا گویا سازمان ملل قاعده بازی را رعایت کرده باشد.

اما پرسش این است که چرا به رغم اثبات افتضاح انتخابات و عدم مشروعیت کنونی این پروسه، سعی در انجام آن صورت می‌گیرد.

حال آن‌که به همه‌گان ثابت است که هیچ مشروعیتی از انتخابات کنونی بیرون نخواهد شد تا آبروی دولت آینده - اگر دولتی در کار باشد - به وجود آید؟

انتخابات کنونی به جز بن‌بست و بحران هیچ چیزی نیافریده است اما با آن هم تلاش بر آن است که به هر طریقی ممکن، متعین اصلی انتقال قدرت همین انتخابات مفتضح نشان داده شود.

پاسخ بسیار ساده، جلو همه مانده شده است. زیرا، ادامه بحران انتخاباتی در نهایت تمديدکننده قدرت رییس جمهور کرزی است. رییس جمهور هر چند خود را پابند قانون نشان می‌دهد اما در عمل به‌جز بحران‌آفرینی نکرده است. او از تیم تحول و تداوم که تقلب به سود این گروه صورت گرفته و از کمیسیون‌هایی که مجری تقلب است، حمایت کرده تا نیرویی را علیه اراده و انتخاب مردم بسیج کرده باشد و کار را به این جا بکشد. کشیده شدن کار به این‌جا، هر چند در ظاهر قدرت آقای کرزی را ماهانه تمديد می‌کند، اما امکان دارد که در نهایت این تمديد ماهانه به تمديد سالانه کشیده شود و این یگانه هدف آقای رییس جمهور بوده و هست.

حالا که به نظر می‌رسد دست آقای رییس جمهور به همکاران تقلب‌کارش خوانده شده و انتخابات نیز به کلی مشروعیتش را از دست داده است، پس چرا یخن این انتخابات شرم‌آور را رها نمی‌کنند؟

میکانیسم بدیل نیز که مورد توافق سازمان ملل و جامعه جهانی قرار گرفته، روی میز گذاشته شده است: دولت وحدت ملی. راهی که به یقین ما را از این بن‌بست به بیرون می‌کشد.

هر چند رییس جمهور کرزی این میکانیسم را تاکنون به صورت سیستماتیک سپوتاژ کرده است و نامزدان محترم انتخابات نیز فریب او را خورده اند. اما اگر از توسل به حکومت وحدت ملی انکار گردد، شرایط موجود، سرنوشت کشور را به بحران خونینی خواهد کشانید. دولت وحدت ملی اما رفقت می‌طلبد، نه رقابت؛ کاری که تا کنون نامزدان محترم به آن دست نیازیافته اند. هر دو تیم اگر پشت یک میز نشینند و به دور از هر گونه امتیازطلبی به دنبال مصالح‌علیای کشور نباشند، تحقق این مهم دشوار است.

عجالتاً رعایت دو نکته بسیار مهم، برای رسیدن به دولت وحدت ملی ضروری است. نخست آن که از رییس جمهور کرزی از محور محاسبات به دور نگه‌داشته شود. زیرا رییس جمهور برای رسیدن به هدفش به هیچ‌وجه نمی‌خواهد بحران کنونی پایان یابد. نکته دوم اما رهایی یخن انتخابات است. انتخابات به عنوان میکانیسم جهانی و مشروع، سوگ‌مندانه با تقلب طوری همراه شد که اکنون شفاف‌سازی آن از ناممکنات است. اینک هیچ مشروعیتی از آن برون نخواهد شد. بنابراین، تا زمانی که این شروط تطبیق نگردد و در کنار آن، هر دو نامزد در پهلوی هم، به هدف رعایت منافع عمومی کشور به تشکیل دولت وحدت ملی نپردازند، بدون شک که تمديد قدرت ماهانه آقای کرزی همین‌گونه به تمديد سالانه و در نهایت شکی نیست که تا پایان عمرش، ادامه یابد.

و در جامعه ای که حرمت‌ها شکسته شود و عزت نفس‌ها خدشه دیده و معصومیت‌ها لکه دار شده و لگد مال شود، ما شاهد رشد و پرواز شدن جامعه ای خواهیم بود که در آن رذالت‌ها و بی بندوباری‌ها افزایش یافته و روح و وجدان جامعه را مرگی زودرس فرا خواهد گرفت.

زنان و مقوله دفاع از حقوق آن‌ها و تامین امنیت جانی، مالی و روانی و این قشر از جامعه ارتباط مستقیم با حفظ سلامت روان و قوام جامعه دارد. زنانی که روحا و جسما صدمه دیده اند، هرگز مادرانی خوب و همسرانی شایسته نخواهند بود. و جامعه ای که مادران و همسران خوب و فداکار و مدیر و مدبر از آن دریغ شود، هرگز پرورشی سالم را تجربه نخواهد کرد. با حوادثی که اخیراً اتفاق افتاده و افزایش خشونت‌ها و قربانی شدن زنان به بهانه‌ها و دلایل گوناگون، سوالی به صورت جدی مطرح می‌شود که مستقیماً نیروهای امنیتی کشور را هدف قرار خواهد داد؛ چرا در زمینه رسیدگی به پرونده‌هایی از این دست، که قربانی آن زنان هستند، سهل‌انگاری صورت گرفته و کمتر ما شاهد دستگیری و سپس مجازات جنایتکارانی بوده ایم که زنان را من حیث قربانیان خواست‌ها و امیال شوم و تکان‌دهنده خود انتخاب کرده اند؟ امروز زنی سر بریده می‌شود، تجاوز به گروهی از زنان و دختران این وطن صورت می‌گیرد، و آب از آب تکان نخورده و جنایتکاران و مرتکبین این جنایت‌های مخوف همچنان فارغ از همه دغدغه‌ها به دنبال شکار و قربانی بعدی خواست‌های شومشان هستند.

بعد از یک دهه مشق دموکراسی و صرف میلیاردها دلار در افغانستان به نام زن و برای بهبود وضعیت وی، می‌بینیم که تا دیروز اگر گوش و بینی زن این دیار بریده می‌شد، امروز سر بریده می‌شود و تجاوز گروهی صورت می‌گیرد و این خود معنایی جز دهن کجی به داعیه داران تامین امنیت کشور، نخواهد داشت. باید مسولان پیگرد این گونه پرونده‌ها در دستگاه قضایی و اجرایی کشور، سخت‌مورد بازپرسی قرار بگیرند و از آن‌ها خواسته شود که تامین امنیت زنان را در کنار تامین امنیت و ثبات کلی در کشور در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. به نظر می‌رسد افزایش ناامنی‌ها و تهدیدات برای زنان، ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند. هر چه هرج و مرج بیشتر شود و فضای سیاسی بی

یکی از دست‌آوردهای ناتو، حکومت فعلی، رسانه‌ها و تلاش‌های جامعه جهانی و نهادهای فعال جامعه مدنی در افغانستان به قطع تحول و تغییری است که گفته می‌شود. در مقوله وضعیت زنان به وجود آمده است. وضعیت رقت‌انگیز زن افغانستانی در طول دوره طالبان و نحوه تعامل گروه‌هایی چون طالبان با زنان و ستمی که از ناحیه تروریسم و بی‌ثباتی و ناامنی متوجه زنان و اطفال این دیار بوده است بر کسی پوشیده نیست از این رو از همان نخستین روزهایی که افغانستان در محراق توجه جامعه جهانی قرار گرفت و کمک‌های بین‌المللی به افغانستان سرازیر شد، یکی از اهداف صرف این هزینه‌ها، تلاش برای بهبود وضعیت زنان در افغانستان بوده و این مساله به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های تداوم کمک‌های بین‌المللی به افغانستان همواره مورد تاکید بوده است.

اما باید دید که امروز نتیجه چه بوده و وضعیت زنان افغانستان به کجا انجامیده است؟ شاید این شب و روزها تمام زنانی که خبر سر بریده شدن یک زن را در غرب کابل و خبر تجاوز به زنان و سرقت از آنان را در چند قدمی ارگ ریاست جمهوری یعنی پغمان شنیده اند، بر خود می‌لرزند و آینده و امروز خود را فرو رفته در هاله‌ای از ابهام می‌بینند، از خود می‌پرسند که کجاست دادگری که فریاد دادرسی‌های زنانی را بشنوند که بی دفاع و مظلومانه مورد بی‌عدالتی و تجاوز و تعدی قرار گرفته‌اند؟ بهبود وضعیت زنان را در کجا باید شاهد باشیم در حالی که بنیادی‌ترین حق یک شهروند یعنی داشتن امنیت جانی در یک جامعه است و امروز زنان ما با توجه به حوادثی که در روزهای اخیر یکی پس از دیگری رخ داده است، می‌بینند که از این حق محرومند و هنوز هم آسیب‌پذیرترین قشر جامعه ما زنان هستند. زنانی که در میدان جنگ و صلح افغانستان به صورت‌های مختلف قربانی بوده‌اند و تجاوز و تعدی به حقوق آنها به صورت یک ابزار قدرت‌نمایی و حتی عقده‌گشایی و گاها قدرت‌نمایی بازیگران فضای سیاسی و قدرت‌طلبی کشور مورد استفاده قرار گرفته است. نیروهای امنیتی کشور چرا تا این حد عاجزند از تامین حقوق کسانی که اگر آنها مورد تحقیر و آزار و اذیت قرار بگیرند، دیگر سخن گفتن از عزت و حرمت نگاه داشتن‌ها در جامعه بی‌معنا است

ثبات تر شود، شانس رهیدن از زندان و یا حتی به دام نیافتادن برای جنایتکارانی از این دست بیشتر فراهم می‌شود و این یعنی خبر خوش برای کسانی که پول دارند و با پول خود حتی آبرو و عزت زنان و مادران و دختران این وطن را خرید و فروش می‌کنند. چه بسا سکوت مجریان قانون و عوامل امنیتی و اجرایی کشور در قبال یک چنین جنایت‌هایی، حکایت از دخیل بودن خود آن‌ها در رقم خوردن سیاهی‌ای با این وسعت و گستره برای زنان افغانستان، داشته باشد. و این یعنی فاجعه‌ای دیگر که خطرش از تروریسم و طالبان و دهشت افکنی مخالفان دموکراسی و مردم‌سالاری در افغانستان بیشتر خواهد بود، خطری که باید مهار

**با حوادثی که اخیراً اتفاق افتاده و افزایش خشونت‌ها و قربانی شدن زنان به بهانه‌ها و دلایل گوناگون، سوالی به صورت جدی مطرح می‌شود که مستقیماً نیروهای امنیتی کشور را هدف قرار خواهد داد؛ چرا در زمینه رسیدگی به پرونده‌هایی از این دست، که قربانی آن زنان هستند، سهل‌انگاری صورت گرفته و کمتر ما شاهد دستگیری و سپس مجازات جنایتکارانی بوده ایم که زنان را من حیث قربانیان خواست‌ها و امیال شوم و تکان‌دهنده خود انتخاب کرده‌اند؟ امروز زنی سر بریده می‌شود، تجاوز به گروهی از زنان و دختران این وطن صورت می‌گیرد، و آب از آب تکان نخورده و جنایتکاران و مرتکبین این جنایت‌های مخوف همچنان فارغ از همه دغدغه‌ها به دنبال شکار و قربانی بعدی خواست‌های شومشان هستند.**

شود و این که زنان ما حتی جرات از خانه بیرون آمدن را نداشته باشند، تداوم بی‌سوادی، فقر فرهنگی و ناتوانی مدیریتی را برای این قشر جامعه به همراه خواهد داشت و جامعه ای که زنانی ناتوان و سرکوب شده و تحقیر شده را پرورش دهد، هرگز نخواهد توانست معماری را در دامان خود تربیت کند که افقی روشن و سرشار از شادکامی را برای جامعه طراحی کرده و بنا سازند.

## پوتین از شورشیان خواست سربازان اوکراینی را آزاد کنند



ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه از جدایی طلبان حامی مسکو در اوکراین خواست تا سربازان اوکراینی را که در شرق اوکراین محاصره شده اند، آزاد کنند.

در بیانیه ای که روز جمعه کرملین منتشر کرد، پوتین از شورشیان خواسته است که یک «راهروی انسانی» برای سربازان اوکراینی ایجاد کنند تا از کشته شدن های بی معنی جلوگیری شود.

رهبر شورشیان، الکساندر زاخارچنکو، به رسانه های روسی گفت او آماده آن است که این درخواست را اجرا کند، اما افزود سربازان اوکراینی اول باید سلاح های خود را تحویل دهند.

بیش از یک هفته است که به دنبال یک ضد حمله سریع با پشتیبانی مسکو، شورشیان گروهی از سربازان اوکراینی را در شهر الیوایسک محاصره کرده اند.

بیانیه پوتین به اتهامات رو به افزایش کیف و غرب که می گویند روسیه به طور مستقیم در شورش های شرق اوکراین دخالت دارد، اشاره ای نکرده است. اما این بیانیه آنچه «پیروزی جدی» شورش برای «متوقف کردن عملیات نظامی کیف» خوانده را ستوده است. به گفته پوتین این عملیات جان غیرنظامیان را تهدید می کند.

در همین حال، روز جمعه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، یک جلسه فوری برای بررسی بحران اوکراین برگزار می کند. رهبران غربی بیش از گذشته در حال محکوم کردن خشونت ها در شرق اوکراین هستند که با پشتیبانی روسیه صورت می گیرد.

باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا روز پنجشنبه گفت نیروهای روسیه وارد اوکراین شده اند. او مسکو را متهم کرد که از روی عمد و به کرات تمامیت ارضی اوکراین را نقض کرده است.

باراک اوباما اقدام نظامی آمریکا در این باره را رد کرد اما گفت واشنگتن قاطعانه پشتیبان متحدان اروپایی خود خواهد بود تا به این بحران پاسخ دهند. او همچنین هشدار داد مسکو احتمالاً با تحریم های بیشتر غربی مواجه خواهد شد.

ناتو می گوید حدود ۱۰۰۰ سرباز روسی داخل شرق اوکراین فعال هستند و حدود ۲۰ هزار سرباز دیگر به سمت مرز رفته اند. مقامات ناتو همچنین تصاویری ماهواره ای منتشر کردند که به گفته آنها نشان می دهد نیروهای رزمی روسیه داخل اوکراین وارد عملیات نظامی شده اند.

## فرمانده ارتش پاکستان خواستار مداخله میان گروه های سیاسی رقیب شد

عمران خان، سمت چپ، رهبر تحریک انصاف و طاهر القادری، سمت راست، رهبر عوامی تحریک، خواستار برکناری نخست وزیر هستند

جنرال راجیل شریف، فرمانده ارتش پاکستان خواستار مداخله میان اختلافات گروه های سیاسی رقیب در آن کشور شده است.

دو حزب تحریک انصاف به رهبری عمران خان و عوامی تحریک به رهبری طاهر القادری که خواستار استعفای نواز شریف، نخست وزیر پاکستان هستند، اجتماعات اعتراضی بزرگی در اسلام آباد، پایتخت آن کشور، برگزار کرده اند.

تعداد زیادی از معترضان که در طی دو هفته گذشته در خیابانهای اسلام آباد تجمع کرده اند، از شهر لاهور به پایتخت رفته اند.

آقای قادری گفته است که فرمانده ارتش از مخالفان ۲۴ ساعت فرصت خواسته بود که میان دولت و مخالفان وساطت کند. عمران خان نیز گفته است مذاکرات با ارتش آغاز شده است.

نواز شریف و ژنرال راجیل شریف در نزد هم بر اساس خبرهای رسیده، ژنرال راجیل شریف بیشتر با نواز شریف دیدار کرده بود.

به نظر می رسد که یک سال پس از انتقال دموکراتیک قدرت به غیر نظامیان در پاکستان ارتش باری دیگر در پی بازگشت به صحنه سیاست است.

رهبران تحریک انصاف و عوامی تحریک هر دو می گویند در انتخابات سال گذشته که منجر به نخست وزیری نواز شریف شد تقلب گسترده صورت گرفته است.

طاهر القادری همچنین خواستار پیگیری قضایی علیه نواز شریف به دلیل مرگ ۱۴ نفر معترض در لاهور در ماه ژوئن گذشته است.

پلیس محلی در گزارش اولیه خود از نخست وزیر به عنوان یکی از مظنونان نام برده بود.

خواججه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان گفته است که ایفا نقش قانونی توسط ارتش در چهارچوب قانون اساسی باید «با دید مثبت» ارزیابی شود.

اعتراضات علیه دولت تا کنون صلح آمیز بوده اند اما هزاران نفر در منطقه سرخ شهر تجمع کرده اند که منطقه ادارات دولتی و سفارتخانه های خارجی در اسلام آباد است.

## سازمان ملل:

# نیمی از جمعیت سوریه آواره اند



نیز ۲۱ سرباز کلاه آبی حافظ صلح سازمان ملل متحد را در نزدیکی بلندی های جولان ربودند و پس از چندی آزاد کردند.

سازمان ملل متحد اعلام کرد که این ۴۳ سرباز حافظ صلح سازمان ملل تابعیت کشور فیجی را دارند و روز پنجشنبه (۶ شهریور / ۲۸ اوت) در بخش سوریه بلندی های جولان اسیر شده اند. کلاه آبی های حافظ صلح سازمان ملل متحد بر مبنای قرارداد آتش بس میان سوریه و اسرائیل در سال ۱۹۷۴ در این منطقه مستقر شده اند.

سازمان ملل متحد در مجموع حدود ۱۲۰۰ سرباز کلاه آبی حافظ صلح خود را در این منطقه مستقر کرده است. این سربازان از شش کشور هند، ایرلند، هلند، نپال، فیلیپین و فیجی به این منطقه اعزام شده اند.

اسرائیل در سال ۱۹۶۷ سه چهارم غرب بلندی های جولان را به تصرف خود درآورد و در سال ۱۹۸۱ این منطقه را به خاک خود ملحق کرد. سازمان ملل متحد این اقدام اسرائیل را به رسمیت نشناخته است.

«آزادی بی قید و شرط» صلح بانان اسیر شده سازمان ملل شد. در بیانیه وزارت امور خارجه آمریکا آمده است که گروهان گیری ۴۳ سرباز حافظ صلح در بلندی های جولان توسط نیروهای غیردولتی سوریه انجام شده و جبهه اسلام گرایان النصره این کشور در گروهان گیری دست داشته است.

جبهه اسلام گرایان النصره سوریه، شاخه سوریه ای شبکه تروریستی القاعده است که از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان گروهی تروریستی شناخته می شود. این جبهه هدف هایی شبیه جریان تروریستی «دولت اسلامی» (داعش سابق) دارد. این دو گروه اما مخالف یکدیگرند و در سوریه با هم می جنگند.

گروه ناظران حقوق بشر سوریه که مقر اصلی آن در بریتانیاست، پس از گروهان گیری سربازان حافظ صلح سازمان ملل متحد در بلندی های جولان، جبهه اسلام گرایان النصره را مسئول این گروهان گیری معرفی کرد.

شورشیان سوری در ماه مارس سال گذشته (۲۰۱۳)

سازمان ملل اعلام کرد که بیش از شش میلیون شهروند سوریه در پی جنگ داخلی در داخل این کشور آواره شده اند. آمریکا جبهه اسلام گرای النصره سوریه را مسئول گروهان گیری ۴۳ سرباز سازمان ملل در بلندی های جولان خواند.

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگی روز جمعه (۷ شهریور / سنبله) در ژنو اعلام کرد که حدود سه میلیون شهروند سوریه به خاطر جنگ داخلی در کشورشان به کشورهای همسایه گریخته اند.

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگی طی بیانیه بی همچنین بیان داشته که ۵/۶ میلیون نفر از شهروندان سوریه نیز در خود این کشور آواره اند. به این ترتیب حدود نیمی از کل جمعیت سوریه در حال حاضر آواره اند.

بر مبنای آمار سازمان ملل متحد بیشتر آوارگان سوری (بیش از یک میلیون نفر) در لبنان زندگی می کنند. شمار آوارگان سوریه در ترکیه و اردن نیز به ترتیب ۸۱۵ هزار و ۶۰۸ هزار نفر است. به گزارش خبرگزاری رویترز آنتونیو گوترز، رئیس کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، در این باره گفت: «بحران سوریه به بزرگترین بحران انسانی در دوران ما تبدیل شده است.»

سازمان ملل متحد شمار کشتگان جنگ داخلی در سوریه را تا کنون ۲۰۰ هزار نفر ارزیابی کرده است. سازمان های حقوق بشری گروه تروریستی «دولت اسلامی» و همچنین دولت سوریه را در جنگ داخلی این کشور متهم به ارتکاب جنایات جنگی کرده اند.

«اسلام گرایان النصره سوریه مسئول گروهان گیری» دولت آمریکا جبهه اسلام گرای النصره سوریه را مسئول گروهان گیری ۴۳ سرباز کلاه آبی سازمان ملل متحد در بلندی های جولان معرفی کرد. گفته می شود که هنوز ۸۱ سرباز حافظ صلح سازمان ملل متحد در بلندی های جولان در محاصره مهاجمان قرار دارند.

اسلام گرایان النصره در سوریه وزارت امور خارجه آمریکا در واشنگتن خواستار

# اوکراین در پی پیوستن به ناتو است

در چند محل شمالی تر، از جمله در نزدیکی شهر دونتسک محاصره کرده اند.

گفته می شود که نیروهای ارتش اوکراین در نزدیکی شهر ایلووایسک محاصره شده اند و خواستار نیروهای کمکی فوری هستند.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه شب گذشته از شورشیان خواست که برای دوری از به وجود آمدن مشکلات نالازم، مسیری امن برای خروج ارتشیان اوکراین از محاصره در اختیار آنها بگذارند، اگرچه او منطقه خاصی را نام نبرد.

آلکساندر زاخارچنکو، رهبر جدایی طلبان به تلویزیون روسیه گفت که جنگجویان او با این درخواست موافقت کرده اند، به شرط اینکه اوکراینی ها سلاح های سنگین و مهمات خود را تحویل دهند.

خبر حضور نیروهای روس در اوکراین انتقاد دوباره غرب از روسیه را به دنبال داشته است.

باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در یک کنفرانس خبری در واشنگتن روسیه را مقصر بحران اوکراین خوانده و گفته: «شکی نیست که بحران شرق اوکراین یک بحران محلی نیست و بوسیله روسیه ایجاد شده است.»

او همچنین گفت: «جدایی طلبان بوسیله روسیه آموزش دیده اند، بوسیله روسیه مسلح شده اند و از روسیه تامین مالی می شوند.»

قرار است هفته آینده باراک اوباما و سران کشورهای اروپایی در اجلاس سران ناتو در بریتانیا در باره این بحران صحبت کنند.



شده اند که به شورشیان نسبت داده می شود. جنگ سنگین در نزدیکی بندر استراتژیک ماریوپل در کنار دریای آزوف ادامه دارد. شورشیان در صددند این شهر را تسخیر کنند ولی ارتش اوکراین مقاومت می کند.

روز پنجشنبه هفته گذشته جدایی طلبان شهر نواوژوسک را محاصره کردند که در مجاورت ماریوپل است.

پیشروی جدایی طلبان در ساحل شمالی دریای آزوف این نگرانی را ایجاد کرده که روسیه یا هوادارانش در اوکراین ممکن است قصد داشته باشد نوار ساحلی این دریا را به تصرف درآورد تا ارتباط زمینی شبه جزیره کریمه را با روسیه برقرار کنند.

شبه جزیره کریمه در ماه مارس از اوکراین جدا و به روسیه ملحق شد. شورشیان گزارش داده اند که نیروهای حکومتی را

آرسنی یاتسنیوک، نخست وزیر اوکراین از تلاش دولت این کشور برای پیوستن به پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو خبر داده است. آقای یاتسنیوک گفته است که از پارلمان خواهد خواست زمینه این اقدام را فراهم کند.

آقای یاتسنیوک گفت که دولت لایحه ای را به نمایندگان مجلس ارائه می کند که بر اساس آن موضع بی طرف اوکراین در رقابت روسیه و غرب تغییر می کند.

این اظهارات بعد از آن منتشر شده که در پی بالا گرفتن اتهامات کشورهای غربی به روسیه در مورد دخالت مستقیم این کشور در بحران شرق اوکراین، مقامات ناتو در حال برگزاری یک جلسه اضطراری برای بررسی این موضوع هستند.

روز پنجشنبه ناتو تصاویری را منتشر کرد که به گفته این سازمان، سربازان روسی را در خاک اوکراین نشان می دهند.

ناتو می گوید که بیش از ۱۰۰۰ تبعه روسیه در عملیات نظامی در خاک اوکراین شرکت دارند.

روسیه اعزام ارتشیان خود به اوکراین را انکار می کند.

طرح اتهامات علیه روسیه زمانی بالا گرفت که شورشیان طرفدار این کشور مناطقی را در شرق اوکراین تسخیر کردند.

سازمان ملل در آخرین گزارش خود می گوید که از اواسط ماه آوریل تا ۲۷ اوت ۲۵۹۳ نفر در درگیری های شرق اوکراین کشته شده اند.

در این گزارش گفته می شود که گروه های مسلح مرتکب نقض حقوق بشر مانند آدم ربایی و شکنجه

بخش نخست

## ترس از نزدیک شدن به افراد غریبه ولی جذاب!



حتا در میان با اعتماد به نفس ترین افراد نیز کسانی هستند که گاهی از لرزیدن دست رنج می‌برند و در مواجهه با افراد غریبه، به لکنت زبان می‌افتند و صدای شان می‌لرزد. پرسش بسیاری از افراد این است که چه گونه در گفت و گو با غریبه‌ها با اعتماد به نفس باشیم و چه گونه به مقابله با اضطراب آشنایی برویم. واین الیز، روان‌شناس امریکایی در جدیدترین شماره مجله **Psychology Today** درصدد است که به ما نشان دهد چه گونه باید از پس اضطراب ناشی از آشنایی برآمد.

اضطراب آشنایی، عبارت است از ترس از نزدیک شدن و آشنا شدن با فرد ناشناسی که شما او را در جمع، فرد جذابی دریافتید. اگر شما از اضطراب آشنایی بالینی رنج می‌برید، بروید نزد یک درمانگر تا داروهای مناسب برای شما تجویز کند. من نمی‌توانم کمکی بکنم. من بیشتر مکانیک تعاملات انسان‌ها هستم.

خوش‌بختانه مثل نرم‌افزارهای مورد نیاز فایرفاکس هستم که همه مردم به آن نیاز دارند، چرا که بیشتر مردم از یک اضطراب آشنایی غیر بالینی رنج می‌برند؛ یک نوع مشکل رایج که موجب دل‌سردی ما می‌شود و مانع از این‌که به فرد مورد علاقه‌مان نزدیک شویم و باب آشنایی باز شود. اکثر ما به طور عادی می‌توانیم زنده‌گی هر روزه خود را به خوبی اداره کنیم، اما باز اگر کسی را در جمعی ببینیم و بخواهیم به او نزدیک شویم، دچار همان اضطراب می‌شویم. باز خشک می‌شویم و در وضعیتی گیر می‌کنیم که من به آن «رفتار مرد یخ‌زده» یا «رفتار دختر یخ‌زده» می‌گویم.

این مشکل ممکن است برای هر کسی پیش بیاید. شاید این وضعیت حتا برای خود شما هم که مشغول خواندن این مقاله هستید، رخ بدهد. آن دختر را می‌بینی؟ منتظر چی هستی؟ برو با او صحبت کن. نگاه کن منظورم چی است؟

چندین سال پیش، گزارشگری با من مصاحبه می‌کرد؛ یک گزارشگر تلویزیونی خوش تیپ که برای یک برنامه تلویزیونی کار می‌کرد. او می‌خواست درباره آشنایی با غریبه‌ها بیشتر بداند. او پس از بیان حرف‌هایش، از من چند سوال پرسید: «مشکل این افراد بازنده که شما به آن‌ها درس می‌دهید، چیست؟»، «آن‌ها از چه چیز در صحبت با غریبه‌ها می‌ترسند؟» میکروفون را گرفتم و به زنی شاد که مشغول خوردن ناهار بود، اشاره کردم و گفتم: «به آن زن خوشحال نگاه کن. برو با او حرف بزن و سعی کن با او صمیمی شوی. البته بدون دوربین و میکروفن».

شما احتمالاً حدس می‌زنید که او نتوانست این کار را انجام دهد. او منجمد شده بود. زن‌های بسیاری در سراسر دنیا شبیه این زن هستند. آن‌ها بازنده نیستند. مردمی عادی و موفق‌اند که در هنگام آشنایی با فردی غریبه، اضطراب به سراغ‌شان می‌آید. آن‌ها همیشه از رد شدن و ناشناخته ماندن در هراس هستند. اگر از یک نفر در خیابان بپرسید با ترس نزدیک شدن به یک فرد غریبه در یک میهمانی چه گونه باید کنار آمد، می‌بینیم سخنرانی در باب این‌که چه قدر آسان می‌شود با افراد غریبه آشنا شد و با آن‌ها معاشرت کرد، برای شما ایراد می‌کند.

متأسفانه برخی از افراد برای صمیمی شدن با دیگران از الکل استفاده می‌کنند. شاید این روش برای آن‌ها کارآمد بوده است، اما من فکر می‌کنم مصرف الکل، کار عاقلانه و واقع‌گرایانه‌ی نیست و همانند اکثر علاج‌های رایج برای رفتار یخ‌زده افراد مناسب نیست. شاید اگر مردم اتکا به الکل را متوقف کنند، صنعت الکل‌سازی در جهان ۹۵ درصد نفع تجاری خود را از دست بدهد.

این‌ها ارزیابی‌های شخصی من است، اما مهم این است که شما نکته من را گرفته باشید.

## مکتی بر خلافت و امارت اسلامی

بودند.

ویژه‌گی عمومی این سازمان‌ها سه چیز می‌باشد:

یک، از نگاه اخلاقی و عاطفی این‌ها گرفتار نوعی جزمیت مفرط اخلاقی‌اند که نمیتوان به شکل منطقی این‌ها را قناعت داد. به نظرشان هرکار باید برای رضای خداوند انجام شود و تفسیر کار مورد رضای خدا نیز به دست خود شان بود که آن را به گونه بسیار سطحی تفسیر نمودند. مانند خوارج که قتل حضرت علی و دیگران را نوعی عمل کرد محض برای به دست آوردن رضای خدا می‌دانستند و به تعبیر خودشان، علی و دیگران منحرف از دین بودند.

دو، از نگاه اجتماعی این‌ها ذهنیت قبیله‌ی‌شان را که به صورت فرهنگ اسلامی به نظرشان جلوه می‌کند، به عنوان ویژه‌گی اصلی یک جامعه ناب اسلامی پیش کشیدند. نوعیت لباس، ریش و روابط خانوادگی و رواج‌های دیگری قبیله‌ی را معرف فرهنگ اسلامی قلمداد نمودند.

سه، این‌ها فاقد دانش وسیع مسلکی روز به ویژه در بُعد سیاسی‌اند، روی همین ملحوظ در عالم تیوری هیچ نظریه علمی‌یی برای نظام سیاسی اسلام ارائه نکرده‌اند، بلکه هنوز می‌خواهند بر جامعه پیچیده امروزی همان روابط ساده عصر خلفای راشدین را اعمال نمایند و حتا از ناممکن بودن این کار نیز آگاهی ندارند و در عالم عمل در کشورها و مناطقی که این‌ها به قدرت رسیده‌اند، چیزی شبیه یک نظام قبیله‌ی را تحت نام اسلام حاکم کرده‌اند که به مرور زمان اندکی به سوی انحطاط و بی‌برنامه‌گی داخلی پیش رفته است.

تنها تمسک این‌ها و یگانه دستاوردشان، گذاشتن عنوان خلافت یا امارت بر حاکمیت‌شان و نمایش نوعی خشونت تحت نام خلافت و امارت بر جامعه بوده



کمال‌الدین حامد

سیاسی مورد نظرش را به شکلی از اشکال به دوره خلفای راشدین به ویژه عصر عمر فاروق پیوند تیوریک می‌داد. عنوان خلافت که به شدت مورد تمسک چنین گروه‌ها است، از همین امر سرچشمه می‌گیرد.

نخستین موضوع قابل توجه ایجاد اعتماد به خود برای مسلمانان بود که توسط این حرکت‌ها راه اندازی شد و به نوعی تمام مسلمانان را فرا گرفت که امروز اکثریت قاطع مسلمانان بدین باوراند که حکومت اسلامی حلال مشکلات‌شان است. اگرچه بر سر نوعیت و عملی بودنش توافق نظر وجود ندارد.

دومین موضوع، برجسته‌سازی نارسایی‌های لیبرال دموکراسی غربی بود که در این امر هم توفیق نسبی به دست آمد و آن طوری که این نوع حکومت در کشورهای غربی کارساز ثابت گردید، در کشورهای



است.

گروه سوم نیز وجود دارد که به شدت سیاسی رفتار کرده و در راه ارایه مدلی از نظام سیاسی اسلام زیر عنوان خلافت یک قرن تلاش نموده است و در برابر راهکارهای دموکراتیک نیز مقاومت کرده است با این‌که وحشت و خشونت دسته دومی را نداشته، اما نتوانسته است که مدلی قابل اجرا از نظام مورد نظر اسلامی‌اش به صورت روشن ارایه نماید. حزب تحریر همین گروه است. در پایان می‌توان گفت که حزب تحریر کاری به جا نخواهد برد و جهان اسلام در گیر دو گروه اول و دوم خواهد ماند و اگر جلو دسته دوم گرفته نشود، ضربه مهلکی را بر حیثیت جهان اسلام وارد خواهد آمد. تا این‌جا تنها دسته اول است که توانسته و موفق شده کاری برای امت مسلمه انجام دهد.

اسلامی فقط فساد گسترده، ابتذال اخلاقی، ریاکاری سیاسی و استبداد اکثریت را به ارماغان آورد.

سومین موضوع، ارایه بدیل یا پیشکش کردن مدل نظام اسلامی بود که در این راه چندان توفیقی حاصل نشد.

سازمان‌های اسلامی در ترکیه، ایران، مصر و اکثر کشورهای دیگر با تلفیقی از اصول اسلامی و راهکارهای دموکراتیک غربی موفق شدند که به قدرت برسند و مورد اقبال قرار گیرند و گفته می‌شود که همین راهکار دموکراتیک به نوعی همان بیعت یا شوراگرایی اسلامی‌ست که توسط غربی‌ها بازسازی شده است.

تعدادی دیگری از سازمان‌ها روی دلایلی نتوانستند به این موفقیت هم برسند. آن‌ها فاقد ظرفیت علمی برای سازگار کردن اصول اسلامی با راهکارهای دموکراتیک

آن‌چه مسلم می‌باشد، موفقیت غرب در ابعاد مختلف و از جمله در بُعد روی کار آوردن نظام‌های سیاسی مردمی بعد از جنگ جهانی دوم است، که این توفیق نوعی خوداعتمادی مفرط برای غرب و احساس حقارت برای جهان سوم به ویژه مسلمانان، تولید نموده است. اما این بدان معنی نیست که غرب مطابق گفته فوکویاما به آخرین نسخه دست یافته و دیگران دیر یا زود از آن سر بسته تقلید خواهند کرد.

مسلمانان که در طول تاریخ به خصوص در اوایل جنگ جهانی دوم در قالب خلافت عثمانی و ایران، وزنه قابل ملاحظه سیاسی جهان آن روز را تشکیل می‌دادند، به شدت از وضعیت ضعف پیش آمده احساس حقارت کردند و با وجود دو قطبی شدن جهان بعد از جنگ جهانی دوم، به آسیب‌شناسی این عقب‌ماندگی پرداختند. انگیزه اصلی حرکت‌های اسلامی (چه سیاسی و چه فکری) سه چیز بود:

۱. موجودیت اصول سیاسی در نصوص اسلامی که در طول تاریخ، اسلام را به عنوان یک دین جامع‌الابعاد اخلاقی، عقیده‌ی و سیاسی معرفی نموده و هیچ گاهی اسلام در نگاه مسلمانان چون مسیحیت و یهودیت در نگاه پیروانش نبوده است.

۲. تاریخ صدر اسلام به ویژه عصر پیامبر اکرم و خلفای راشدین به عنوان الگوی عملی جامعه اسلامی و نظام اسلامی به مسلمانان این باور را القا نموده است که اسلام نظام سیاسی مخصوص خودش را نیز بر مسلمانان عرضه نموده است.

۳. موفقیت مسلمانان در برهه‌هایی از تاریخ تمدنی‌اش در امر ایجاد یک نظام قدرت‌مند سیاسی با مدل‌های متفاوت عصر اموی‌ها، عباسی‌ها و عثمانی‌ها.

این انگیزه‌ها و عوامل که واقعی و قابل دسترس هم بودند، مسلمانان را در عصر استعمار وادار به راه‌اندازی حرکت‌های فکری - سیاسی نمود تا در برابر برتری نظام غربی ایستاده‌گی کنند. طبیعی بود که این حرکت‌ها از سه مورد یاد شده تغذیه می‌کرد و در عین حال به رفتارهای غربی واکنش نشان می‌داد.

از میان سه مورد یاد شده، عصر پیامبر اکرم به لحاظ خصوصیت پیامبرانه بودنش و حکومت دوره اموی و عباسی به لحاظ ماهیت خاندانی بودن‌شان، قابل تقلید نبود و تنها مورد قابل تمسک، عصر خلفای راشدین پنداشته می‌شد.

از همین جا است که هر حرکتی باید نظام

# فوکو، «نقد» و «روشن‌گری»



## زهره روحی

### بخش دوم و پایانی

اما آیا با حذف پرسش‌های مبتنی بر «تحقیق مشروعیت‌های تاریخی»، مسأله اصلی هم ناپدید می‌شود؟! به بیانی، صرف تغییر در شیوه پرسش‌گری، آیا می‌تواند هم انسان تحت ستم و هم ساختار ستم‌کننده از اقتدار سیاسی مبتنی بر نابالغی نظام‌های بیماری روانی، کیفری، آموزشی، بزه‌کاری، سکشوالیته و ... را قادر به «خروج» کند؟! پاسخ به این پرسش بسیار مهم است. به هر حال گمان نمی‌رود پاسخ مثبت باشد. آن‌هم به این دلیل ساده که تا جایی که می‌دانیم آن‌چه امکان شکل‌گیری فضای «نقد و روشن‌گری» جلسه‌ی را که فوکو در تاریخ ۲۷ می ۱۹۷۸ در آن حضور یافته به وجود آورده است، مبارزات و مطالبات واقعی و عینی‌ی است که پیشتر در قبال سیاست‌های زیستی ساختارهای ارتجاعی انجام گرفته است. مبارزه‌های افشاگرانه‌ی که در دوره‌ی از تاریخ اجتماعی اروپا، ساختارهای فکری نسبتاً مترقی مدرن - که اکنون از نظر فوکو به دلیل اثرهای قدرتی که حامل آن‌اند، احتمالاً باید متحول شوند - به عهده گرفته بودند. و در ادامه آن، یقیناً نگرش‌های انتقادی مترقیانه‌تری وجود داشته‌اند که تلاش می‌کنند با شاخصه‌هایی چون «حکومت مشارکتی، و یا خودسمنایندگی»، بر فاصله و شکافی که بین حکومت‌کننده و حکومت‌شونده به وجود آمده است (هم‌چون شکاف بین سوژه و اُبژه، فایق آیند. واقعیت این است که هرچند فوکو تا حدی کانون نقد خویش را از رودررویی مستقیم با اقتدار سیاسی بیرون برده است، و تلاش می‌کند از روش‌هایی که به نظرش قدیمی می‌آیند (که همانا پرسش از مشروعیت و افشای قدرت نهفته در توصیه‌های تخصصی‌ست)، دوری گزیند، اما به هیچ‌رو نمی‌توان منکر شد که به محض این‌که وی از مدیریت انواع نظام بیماری‌های روانی، کیفری، بزهکاری و سکشوالیته‌ی یاد می‌کند که «خشونت» آن را از قدرت و مقبولیت آن تفکیک‌ناپذیر نمی‌داند (ص ۲۸۹) و شناسایی «خودسرانه‌گی» در برابر این ساختار و ترفندهایش را در شبکه دانش و قدرت آن نظام می‌بیند، همان‌گونه که انتظار می‌رود، مبنای «نقد» خود را به ناچار در جبهه مقابله و شکستن شالوده‌های اقتدار قرار می‌دهد. به ویژه این‌که برای درک روش انتقادی‌ی که به کار می‌گیرد، (حتماً با وجود «نو» بودنش)، ناچار متکی به پیش‌فهم‌هایی است که ریشه در مطالبات انتقادی به شیوه کلاسیک مدرن دارند.

در هر حال، فوکو بر این باور است که به واسطه کردار تاریخی - فلسفی خویش، قادر به برساختن

رابطه‌ی شبکه‌ی بین قدرت و دانش است. رابطه در هم تنیده‌ی که از تاریخ و فلسفه، چهره جدیدی ارائه می‌دهد: «از طریق محتواهایی تاریخی که تدوین می‌کنیم و با آن‌ها پیوند داریم ... این پرسش [فلسفی] را پیش می‌نهیم که پس من چیستم، منی که تعلق دارم به این بشریت، شاید به این اقلیت، به این لحظه، به این [یا] آن از بشریت که سوژه - مقاد قدرت حقیقت به‌طور اعم و حقیقت‌ها به‌طور اخص است؟ [بنابراین] سوژه‌زدایی از پرسش فلسفی با توسل به محتوای تاریخی و آزادکردن محتواهای تاریخی با پرسش‌گری در مورد اثرهای قدرت، اثرهایی که بنا بر فرض این حقیقت که این اثرها با آن مرتبط‌اند، [و] بر آن‌ها اثر می‌گذارد، به نوعی نخستین ویژه‌گی این کردار تاریخی - فلسفی است.» (ص ۲۸۳)

اما نکته بسیار مهمی که فوکو کاملاً از آن غفلت کرده، این است که پس از این روش نوین آزادسازی، «چه چیزی برای مان باقی می‌ماند؟». شاید بهتر باشد پرسش را این‌گونه مطرح کنیم: آن‌چه پس از این به‌اصطلاح «کردار فلسفی - تاریخی» روشن‌گرانه برای مان باقی می‌ماند چیست؟ یعنی از این گزاره آغاز کنیم که اگر محو «اثرهای قدرت» را در معنای وسیع آن یعنی خنثا ساختن انواع اثرهای برساخته‌شده توسط گفتمان‌های دانشی و هم‌چنین منحل کردن انواع اثرهای متعلق به سازوکار نظام‌های حکومت‌مندی در نظر بگیریم، در این صورت آیا گمان می‌کنیم آن‌چه بدان می‌رسیم، می‌تواند سوژه فلسفی - تاریخی فارغ از اثرهای قدرت باشد؟

به واقع با الهام از روش‌شناختی هستی‌دازاین هایدگری، این پرسش می‌تواند حیرت‌انگیز باشد. زیرا از افق چنان روشی، در همان حینی که در حال محو ساختن اثرهای «قدرت» انواع قلمروهای دانشی و سیاست‌های زیستی هستیم، به دلیل عدم جایگزینی قدرتی برسازنده (چیزی که «وجود بی‌بنیاد» با درآمیخته‌گی با آن، فرایند خود را بی‌آغازد)، به لحاظ هستی‌شناختی در حال ویران کردن عناصر وجودی انسان تاریخی - اجتماعی خواهیم بود! این آن مطلب بسیار مهمی است که فوکو از آن غفلت کرده است. به بیانی فوکو از سرشت تاریخی - اجتماعی دانش، قدرت و سوژه غفلت کرده است. سرشتی که از شیوه هستی‌آدمی (در مقام وجودی بی‌بنیاد) تفکیک‌ناپذیر است. همان‌گونه که فوکو خود گفته است، «هرگز نباید تصور کرد که دانش، قدرت، به خودی خود و در خود مؤثر و کارآمدند» (ص ۲۸۷).

و اکنون در ادامه همین سخن می‌باید افزود که خود سخن فوکو نیز حامل قدرت و اثری‌ست که نمی‌توان آن را از «سخن» وی (در مقام گفتمانی دانشی - شناختی) تفکیک کرد. قدرت و اثری که -

همراه با بسیاری از عناصر دیگر، - در مقطع خاصی، شیوه وجودی فوکو را در مقام موجودی تاریخی - اجتماعی بر ساخته است. به طوری که امروز من و شما به یاری تک تک آن عناصر مؤثر در هستی فوکو، می‌توانیم بگوییم «او فوکوست». میشل فوکویی که هستی‌اش این گونه است؛ هستی‌ی در «قدرت»؛ پرورده و رشد یافته در آن؛ یا شاید بهتر است بگوییم «هستی مضاعف» در «قدرت»؛ زیرا «دانش» خود را به مطالعه آن اختصاص داده است. ضمن آن‌که، سخن آخر حامل این معنی‌ست که زمانی که وی قصد «اثرزدایی از قدرت» را (حتماً به‌منابۀ پروژه‌ی علمی پیش رو دارد، بیش از هر زمان دیگری درگیر قدرت و اثرهای آن است...

به هر حال هستی فوکو، هم‌چون هستی من و شما به دلیل سرشت و امکان‌های تاریخی - اجتماعی عام، هستی‌ی در قلمرو قدرت است (بخوانیدش زاده شده و مقیم قلمرو قدرت)، از این‌رو هم او و هم ما و هم همه انسان‌هایی که در ساختارهای اجتماعی زنده‌گی می‌کنند، جدا ناگزیر به مواجهه با آثار قدرت هستیم. و به نظر می‌رسد تنها چیزی که در این وضعیت به ظاهر جبرآمیز می‌تواند به دادمان برسد، دست‌یافتن به «آگاهی برای خود» است. منظور دست‌یابی به آن نوع آگاهی‌ست که به‌منابۀ یک معمار قابل، قادر به مشارکت در شرایط و عناصر هستی‌شناسانه‌ی شود که تعیین‌کننده موقعیت‌هاست. ضمن آن‌که با دموکراتیزه و همه‌گانی کردن منابع دانش و رمزگشایی از گفتمان‌های نظام‌های حکومت‌مندساز، «خشونت» درونی و پنهان قدرت و اثرهای آن را از کار بیاندازد. به هر حال این‌که نگاه ما به میشل فوکو چه‌گونه است (تحسین‌آمیز و یا کاملاً انتقادی و یا یک چیزی بین این دو)، فرقی در این واقعیت نمی‌کند که وی به یاری آگاهی‌ی که برای شیوه هستی خود بنیان‌گذارده است، هم‌چون تمامی متفکران و هنرمندان خلاق، خود را از موقعیت نازل «حکومت شدن»، رها نینداند. و شاید لازم باشد برای رفع هر سوء‌تفاهمی این را هم بیافزاییم که حتاً آن زمان که وی برای متلاشی کردن فرایند «حکومت‌مندسازی»، و «حکومت شدن»، خود را درگیر قدرت و اثرهای آن می‌کند، باز هم چنان در مسیر آزادسازی خویش عمل می‌کند. زیرا نمی‌توان منکر این واقعیت شد که جدال وی با «قدرت» و آثار آن که پیش‌شرط «حکومت شدن» آدمی‌ست، صرفاً در مقام آزاده‌گی و اثبات آن است؛ اثباتی که از راه سرکشی و مخالفت با «حکومت شدن» و آغوش گشوده به وضعیت «حکومت نشدن» ظاهر می‌شود. وضعیت «حکومت نشدن»‌ی که برای اکثر متفکران اگزیستانسیالیست (خصوصاً نیچه - در زرتشت) به قدری اهمیت دارد که می‌تواند در حکم «رستگاری»

به حساب آید. رستگار از سلطه و نفوذ موقعیت بنده‌گی و یا «نابالغی». موقعیتی که کانت و گروهی از متفکران عصر روشن‌گری حتاً پیش از نیچه فراخوان به «خروج» از آن داده بودند.

به هر حال اگر عرصه پیش‌فهم‌های خود را - که شامل بخش عمده‌ی دانش و تجربیات مان است، - به‌منزله «هدایت از سوی دیگری» بدانیم، یا به بیانی دقیق و صریح‌تر، آن‌ها را به‌عنوان «میراث تاریخی انسان اجتماعی» درک کنیم، در این صورت به نظر می‌رسد، «خود تأملی» کانتی، چاره‌ی به غیر از این ندارد که برای پرهیز از هر گونه خودفریبی، از این پس، «فهم» و «شناخت» را امری «مشارکت‌آمیز» تلقی کند. بدین ترتیب، گفتمان خروج آدمی، از «نابالغی خویش»، این امکان و فرصت را پیدا می‌کند تا از وضعیت فردی و انتزاعی کاذب به‌در آید و آن‌گونه که در واقعیت است، آن را منضم به وضعیتی تاریخی - اجتماعی دریابد. به هر حال گمان می‌کنم برای حُسن ختام اقدام روشن‌گرانه فوکو بد نباشد متن حاضر را به احترام کانت با سخن وی به پایان بریم. وی در اواخر قرن هجده (۱۷۸۴) در اوج مبارزات سیاسی - اجتماعی عصر روشن‌گری و طی گفتمانی تاریخی، تعریف خود را از «روشن‌گری» این چنین ارائه می‌دهد:

«روشن‌نگری، خروج آدمی‌ست از نابالغی به تقصیر خویشتن خود. و نابالغی، ناتوانی در به‌کارگرفتن فهم خویشتن است بدون هدایت دیگری. به تقصیر خویشتن است این نابالغی، وقتی که علت آن نه کمبود فهم، بلکه کمبود اراده و دلیری در به‌کارگرفتن باشد بدون هدایت دیگری. «دلیر باش در به‌کارگرفتن فهم خویش!» این است شعار روشن‌نگری. [...] تا کتابی هست که برایم اسباب فهم است، تا کشیش غم‌گساری هست که در حکم وجدان من است و ...، دیگر چرا خود را به زحمت اندازم. اگر پولش فراهم باشد، مرا چه نیازی به اندیشیدن است؟ دیگران این کار ملال‌آور را برایم و به جایم خواهند کرد.» (کانت، ۱۳۷۷: صص ۱۷، ۱۸)

\*\*\*

در نوشتن این مقاله، از کتاب‌های زیر استفاده شده است:

۱- تیاتر فلسفه: گزیده‌ی از درس‌گفتارها، کوتاه‌نوشت‌ها، گفت‌وگوها و ...، نوشته میشل فوکو، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی ۱۳۸۹

۲. روشن‌گری چیست؟ نظریه‌ها و تعریف: مقالاتی از کانت (و دیگران)؛ ترجمه سیروس آرین‌پور، نشر آگه ۱۳۷۷.

# بن بست تازه و راه حل‌های تازه

احمد عمران

همزمان با مضاعف شدن تلاش‌ها برای پایان بخشیدن به روند بررسی‌های فنی در کمیسیون انتخابات زیر نظر سازمان ملل و بدون حضور ناظران ستاد‌های انتخاباتی، تیم اصلاحات و همگرایی در یک تصمیم تازه اعلام کرده است که نتیجه انتخابات را نخواهد پذیرفت. این تصمیم زمانی گرفته شد، که روند ابطال آرا آن گونه که ناظران این ستاد می‌گویند، با چالش‌های تازه‌ی رو به رو شد و به درخواست‌های این تیم مبنی بر ابطال آرا به شکل واقعی از سوی سازمان ملل و کمیسیون انتخابات توجه صورت نگرفت. فضل احمد معنوی مسوول کمیته فنی تیم اصلاحات و همگرایی در گام نخست هشدار داد که برای بیست و چهار ساعت ناظران این تیم در ورنند شرکت نمی‌کنند که به درخواست‌های آن‌ها توجه شود، اما اگر بازهم به این درخواست توجه صورت نگرفت آن‌گاه تصمیم بعدی خود مبنی بر ترک کلی روند بررسی‌های فنی را عملی خواهند کرد. سرانجام چنین هم شد و آقای معنوی با اعلام ترک روند بررسی‌ها از سوی ناظران تیم اصلاحات و همگرایی در کمیسیون انتخابات به گونه کنایه آمیز گفت که پس از این در «خانه‌های خود این روند را دنبال می‌کنند». معنای سخن نیشدار آقای معنوی کاملاً روشن است. آقای معنوی با این کنایه خواست از وضعیتی پرده بردارد که در کمیسیون انتخابات جریان دارد و در مورد بررسی‌های فنی از سوی سازمان ملل و کمیسیون اعمال می‌شود. در سخن آقای معنوی واقعیتی تلخ نهفته است و آن این که مثلث شوم زور، زر و تزویر چنان مدیریت قضا را در اختیار دارد که حضور و عدم حضور ناظران معترض هیچ تاثیری در روند ندارد و قرار نیست انتخابات وارد مجرای قانونی و اصولی خود شود. تلاش‌ها عمدتاً در پی کشف حقیقت و رسیدن به عدالت نیست بل به گونه شرم‌آوری همان سناریوی تقلب در پوشش تازه ادامه می‌یابد. براساس گفته‌های ناظران تیم اصلاحات و همگرایی آن چه که در کمیسیون انتخابات جریان داشت و این تیم به دلیل احترام گذاشتن به توافقات حاصله نسبت به آن‌ها چشم‌پوشی می‌کرد و دندان بر جگر می‌گذاشت، چیزی جز نوع دیگری از انجام تقلب نبوده است. در حالی که تیم اصلاحات و همگرایی با فهم این موضوع که در دو دور انتخابات برنده اصلی بوده است، تن به بازرسی آرا داد که

در نتیجه آن بتواند حقانیت مواضع خود را به اثبات رساند. اگر وضعیت چنین باشد که بازهم حق قربانی شود و اراده‌ی بی برای تامین عدالت وجود نداشته باشد، حضور در روندی که نتیجه آن قبلاً در پشت درهای بسته میان مثلث مشخص گرفته شده، چه گره کوری را باز خواهد کرد؟ تیم اصلاحات و همگرایی همواره فشار افکار عمومی را تحمل می‌کند که از آن می‌خواهند به عنوان جریان برنده انتخابات منتظر اقدام‌های نباشد که تامین‌کننده سلامت انتخابات نیست. تجربه اقدام‌های شبیه به تفتیش صددرصدی آرا نشان داد که در هیچ یک از طرف‌های موجود التزام به اجرای مفاد توافق‌های انجام شده، دیده نمی‌شود و در بهترین وضعیت تلاش صورت می‌گیرد که تیم اصلاحات و همگرایی مجبور به پذیرش نتیجه‌ی بی شود که در تضاد با منافع مردم و برآیند انتخابات قرار دارد. تیم اصلاحات و همگرایی با درک این حقیقت که برنده انتخابات است وارد توافقات تازه شد و خواست فرصتی را مساعد سازد که طرف‌های مختلف قضیه به صورت واضح نتیجه را ببینند. اما از آن جایی که ارگ ریاست جمهوری و کمیسیون انتخابات در همکاری با تیم رقیب مثلث شیطانی تقلب را هم چنان در اختیار داشتند ادامه روند به سود مردم افغانستان و منافع ملی کشور نمی‌توانست باشد، پس تیم اصلاحات و همگرایی نمی‌توانست هم چنان ناظر وضعیتی باشد که در آن مردم افغانستان قربانی شوند. مثلث تقلب عملاً با زیر پا گذاشتن معیارهای دموکراتیک رسیدن به قدرت مردم افغانستان را نشانه گرفته است و خاموشی در برابر آن گناهی نابخشودنی است. اگر طرف‌های ذیدخل همان گونه که در توافقات متعهد به همکاری برای رسیدن به شفافیت در روند انتخابات شده بودند، باقی می‌ماندند و تقلب را به گونه دیگر عملی نمی‌کردند، به هیچ صورت تیم اصلاحات و همگرایی صحنه را ترک نمی‌گفت. جالب توجه اما این است که در این گرو دار نهاد‌های بین‌المللی هم نتوانستند، بی‌طرفی خود را حفظ کنند و یا حداقل نشان دهند که بی‌طرف باقی خواهند ماند. براساس گفته‌های برخی اعضای تیم اصلاحات و همگرایی نشانه‌های روشنی در روزهای تفتیش آرا به دست آمده که از دخالت سازمان ملل و برخی از نهاد‌های ناظر در حمایت از جریان تقلب خبر می‌دهند. این موضوع در صورتی که واقعا ثابت شود، بدون شک برای سازمان ملل

## د واک میراثی کېدو...

او خپله یې ننداره کوي. سبا ښايي ولسمشر بيا خلک را وغواړي او ووايي، چې د ولسمشرۍ دواړه نوماند نه جوړېږي سلا راکړئ چې څه وکړو؟ د خلکو سلا به همدا وي ورته چې په واک کې پاتې شي، څو هېواد له ستونزو وژغوري. ولسمشر د خلکو د تیر ایستلو او د ځان په گټه ترپنه د سلا او مشورو اخیستلو ښه تجربه لري. کولای شي ورته ناست خلک تر خپل اغېز لاندې راولي. مگر ولسمشر ته په کار دا وه، چې له دیارلس کلنې ولسمشرۍ وروسته یې واک په سوله ییز ډول راتلونکي ولسمشر ته سپارلی وای. ښاغلی کرزی اوس هم دا وایي، چې واک باید راتلونکي ولسمشر ته وسپارل شي؛ خو د خپلې طرحه شوې سناریو له مخې یې وضعیت داسې عیار کړی، چې نوی ولسمشر راتللی نشي، ځکه په ټاکنو کې تر دې حده درغلی شوي، چې اوس یې ملگري ملتونه هم په بېلولو کې سرگردانه شوي دي. یوه نیوکه دا هم ده، چې ملگري ملتونه هم تر ډېره د ښاغلي کرزي د دې سناریو تر اغېز لاندې راغلي او د یوه نړیوال معتبر نهاد په توگه یې په افغانستان کې عمل نه دی کړی.

## زهر و...

تیم تحول ذر گرو همین تقلبات می باشد که از طرف اصلاحات قبلاً رد گردیده است. ازینروست که نتیجه هردو دور انتخابات نمی‌تواند مبنای قانونی تشکیل دولت میان دو تیم گردد. به نظرم هردو تیم دارند آهسته آهسته به کام حکومت نزدیک می‌شود که عاقبت بخیر. مدت‌ها قبل اصرار داشتیم، اینکه روند تخنیکی، قطعاً نمی‌تواند به نتیجه برسد، یگانه گزینه، توافق سیاسی هردو تیم به اساس رفاقت و همدگر پذیری، همراه با توافق، بالای نحوه اعلام نتیجه انتخابات بود، که هم

سنگین تمام خواهد شد. حداقل مردم افغانستان اعتمادی را که در سال‌های پسین به سازمان ملل داشتند از دست خواهند داد و این نهاد بین‌المللی دیگر نخواهد توانست به گونه‌ی بی که شایسته است، ماموریت جهانی خود را در این منطقه پرآشوب انجام دهد. تیم اصلاحات و همگرایی با حسن نیت از ماموریت سازمان ملل متحد به هدف پایان بخشیدن به بحران انتخاباتی استقبال کرد ولی به گونه یاس‌آوری به این نتیجه رسید که این سازمان نیز در برخی موارد بی‌طرفانه عمل نکرده است. مواضع جدید تیم اصلاحات و همگرایی ناشی از تعهد کلان ملی و درک ماموریت میهنی برای افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ است. نظام سیاسی آینده افغانستان باید نظامی مشروع، قوی و عملگرا باشد. نظامی که تعهد و تخصص را همزمان می‌تواند به عرصه آورد و عملاً براساس اراده و انتخابات مردم شکل گرفته است. وقتی رهبری تیم اصلاحات و همگرایی می‌گوید به چیزی کمتر از ریاست جمهوری نمی‌اندیشد به معنای زیاده‌خواهی و امتیاز طلبی از راه‌های فرا قانونی نیست. برخی‌ها به صورت مغرضانه اقدام‌های قانون‌گرایانه تیم اصلاحات و همگرایی را ناشی از سلطه طلبی و زیاده‌خواهی تعبیر می‌کنند که چنین تعبیری نه منصفانه و نه هم مطابق به واقعیت‌هاست. تیم اصلاحات و همگرایی در حالی که پیروزی خود را در انتخابات امری طبیعی و قانونی می‌دانست به سمت توافقات سیاسی جدید رفت، آن هم به این دلیل ساده که هیچ جناحی خود را بازنده وضعیت نداند و در برهه حساس از تاریخ کشور سبب انقطاب و شکاف‌های سیاسی در نظام نشود. حالا اما وضع فرق کرده است. حالا تیم اصلاحات و همگرایی با توجه به وضعیت جدید موضع‌گیری جدید از خود نشان داده است. این موضع‌گیری تازه ناشی از وضعیتی است که بر تیم اصلاحات و همگرایی تحمیل شده است. راه حل بحران انتخابات تنها یک چیز است و آن این که تیم اصلاحات و همگرایی به تعهد ملی و میهنی خود عمل کند و به جای چانه زدن‌های وقت‌کش و زمانگیر در کار ساختن دولت تازه باشد. در غیر آن هیچ راهی به جز تشکیل دولت وحدت ملی نیست و آن هم باید بر مبنای غیر انتخابات موجود باشد و بر روش‌هایی شکل بگیرد که در طرح آجندای ملی اشاره شده است.

کې گوماري او هڅه کوي، چې ټاکنيزه پروسه له داسې ستونزو سره مخ شي، چې په پايله کې يې د ده حکومت وغځېږي او يا د راتلونکيو څو کلونو لپاره نور هم په واک کې پاتې شي. اوس د ولسمشرۍ دواړه نوماند له يوه بله فاصله اخیستې او په ټاکنو کې د شويو درغليو له امله سره جوړ نه دي، نو ولسمشر کرزی له همدې فرصته گټه اخلي، هڅه کوي چې دا وضعیت نور هم خراب شي، چې په پايله کې به بيا لويه جرگه را وغواړي او د خپل واک مهال به اوږد کړي.

خو سیاستوال او خلک باید په هېڅ صورت دا اجازه ښاغلي کرزي ته ور نه کړي، چې واک میراثي کړي او د پخوانیو شاهانو په شان تر هغو چې ژوندی وي په واک کې پاتې شي. دا په خلکو او سیاستوالو پورې اړه لري، چې ښاغلي کرزي په سناریو پوه شي او په شعوري او یا غیر شعوري ډول د هغه طرحه شوې تمثیلی پارچې اجرا نه کړي، بلکې په هېواد کې د واک سوله ییز لېږد ته حقیقي بڼه ورکړي.

دست حکومت را کوتاه می‌کرد و هم از خارجی‌ها را. اما اکنون آنچه برای مردم افغانستان، منحصراً یک راه باقیست، اجماع همه نیروهای سیاسی - مدنی کشور یکجا با تیم‌های انتخاباتی برای تشکیل دولت وحدت ملی در محور نخبگان سیاسی - مدنی، با شهرت نیک، آگاه، اندیشه‌ورز و متعهد برمنافع همگانی - ملی می‌باشد. این دولت با ماهیت عبوری می‌تواند بحران را در کشور مهار سازد و برای آینده، زمینه‌سازی‌های لازم را انجام دهد.

## هزاران سند حاوی افشای...

پنجگانه‌ای برای ابطال آراء باطل به ملل متحد ارائه کرده بود که هیچکدام از آن موارد تا پیش از این مورد قبول واقع نشده بود.

از سوی دیگر، اعلام نتایج نهایی انتخابات که پس از تفتیش کامل آراء صورت می‌گیرد به تأخیر افتاده است. گزارش‌های واصله حاکی است که یان کوبیش نماینده ملل متحد در افغانستان، طی ملاقاتی با حامد کرزی ابراز داشته که تشخیص نتایج آرا در تاریخ از قبل اعلام شده امکانپذیر نیست و از کرزی خواسته است تاریخ تحلیف رئیس‌جمهور جدید را تا یک ماه دیگر به تعویق اندازد. شنیده‌ها حاکی از این است که حامد کرزی در ملاقاتی با اشرف غنی تأکید ورزیده که باید خود را برای مراسم تحلیف در تاریخ معینه آماده بسازد.

فاضل سانچارکی سخنگوی تیم اصلاحات می‌گوید: تا زمانی که میان دو نامزد انتخاباتی یک توافق سیاسی بوجود نیامده نتیجه انتخابات اعلام نخواهد شد. گفته می‌شود یکی از مقامات ارشد سفارت امریکا پیشنهاد داده که تا زمان اعلام توافق سیاسی میان تیمهای منازعه، نتایج انتخابات اعلام نشود.

در تحول دیگر انتخاباتی، یک هیئت امریکایی که به سرپرستی یکی از مشاورین باراک اوباما به کابل سفر کرده با نامزدهای رقیب، ملاقات کرده و پیام اوباما را به آنان ابلاغ کرده است.

همچنین فاضل سانچارکی مدعی شده است که هیچ کدام از نامزدها و نیز رییس‌جمهور کرزی در کانفرانس ناتو شرکت نمی‌کنند.

## اخراج من از افغانستان...

تقریباً قدرت یک دیکتاتور است. این خبرنگار امریکایی می‌گوید: «قدرت حکومت فوق العاده مرکزی است، که رییس‌جمهور تقریباً، قدرت دیکتاتور را دارد. او هر کس را می‌تواند استخدام و یا بر طرف‌کننداز معلم مکتب گرفته تا اعضای کابینه.» آقای روزنبرگ هفته گذشته به خاطر نشر یک مقاله از سوی دادستانی کل افغانستان، مجبور به ترک آن کشور شد. در آن مقاله، آقای روزنبرگ بدون ذکر نام شماری از مقامات عالی‌رتبه حکومت نوشته بود، در صورت که دو نامزد ریاست جمهوری به توافق سیاسی نرسند، گزینه‌ای بعدی، تشکیل حکومت موقت خواهد بود. به باور و این خبرنگار نیویارک تایمز، آن اقدام احتمالی را یک نوع کودتا عنوان کرده بود.

آقای روزنبرگ می‌گوید: «صادقانه قبل نشر مقاله چنین برداشت کردم که رییس‌جمهور کرزی از آنچه در اطراف اش به صورت آشکار بسیار آشکار گفته می‌شود، با خبر است، ولی به نظر می‌رسد که آگاه نبود.»

نهادهای مدافع رسانه‌ها، سازمان ملل و سفارت امریکا در کابل با اخراج متیو روزنبرگ مخالفت ورزیده بود. به دنبال اخراج این خبرنگار، سخنگویان هر دو نامزد ریاست جمهوری افغانستان گفتند که در صورت برنده شدن شان، به او اجازه فعالیت مجدد را در افغانستان خواهند داد.

آقای روزنبرگ می‌گوید که از نوشتن مقاله‌ی که موجب اخراج اش از افغانستان شد، پشیمان نیست و زمان که رییس‌جمهور جدید آن کشور وظیفه اش را آغاز کرد، دو باره به آن کشور برخواهد گشت.

## پنجمین دور آموزش‌های...

رادبویی کشور نیز صورت می‌گیرد. آقای زازی هم چنان گفت: یکی از اهداف دیگر راه‌اندازی این برنامه‌های به میان آمدن شبکه‌ها و ارتباط بیشتر میان خبرنگاران افغانستانی در هماهنگی با همدگر روی موضوعات و سوزهای عمده کار کنند و از این طریق تبادل افکار داشته باشند.

خبرنگاران اشتراک‌کننده در این برنامه در جریان شش روز آموزشی برعلاوه شیوه‌های تنظیم برنامه‌های رادبویی مباحث دیگری چون: اعمار صلح اجتماعی و نقش رسانه در ترویج فرهنگ صلح، جامعه مدنی فرصت‌ها و چالش‌ها، حقوق زن و... فراگرفتند. خبرنگارانی که در این برنامه اشتراک کرده بودند با ابراز رضایت از برگزاری چنین برنامه‌هایی خواستار تداوم این برنامه‌ها شدند.

گفتنی است که برنامه آموزش‌های تابستانی همه ساله با حمایت و تمویل وزارت خارجه کشور آلمان توسط میدیوت یکافغانستانبرگزار می‌گردد.

# بحث اشتراک کننده گان

دکتر فرامرز تمنا/ آگاه روابط بین الملل

در خصوص بحثی که مطرح شده است و بحث بنیادی و شکلی دارم؛ در مباحث بنیادی این طرح باید پاسخ گوی چند مسأله باشد. ۱- عدم ثبات را در شیوه های مملکت داری پاسخ بگویند که بزرگترین آفت صد سال اخیر حکومت داری افغانستان بوده است که پیوسته ما نظام های سیاسی و شیوه های حکومت داری را عوض کردیم؛ باید آجندای ملی تبعات ناشی از شیوه های حکومت داری را به حداقل برساند.

۲- این طرح باید نمادی از خانه تکانی در دولت باشد به این معنا که ما کاستی های سیزده سال گذشته را می خواهیم در حکومت وحدت ملی کاهش دهیم.

۳- زمینه انتخاب عقلانی زعما در پنج سال آینده باشد؛ ما در جریان پنج سال آینده به سرنوشت مشابه امسال مواجه نباشیم.

به صورت عموم این ساختار پاسخ گوی تمام نیازهای افغانستان بویژه نیازهای توسعه یی کشور باشد؛ چون همه چیز در شرایط امروزی افغانستان اهمیت دارد، الا توسعه و انکشاف و ما کشوری هستیم که باید اولویت ما انکشاف باشد.

در اینجا دو پیش فرض مطرح است:

یک- اصول مملکت داری و خطوط آن.

دو- گروه های مملکت داری.

این تنها یک الگو است و ما می توانیم متحول شویم اما اصول مملکت داری را طبیعتاً دولت وحدت ملی نمی تواند تغییر دهد. در برخی از بخش های آجندای ملی دیده می شود که اصول مملکت داری مورد توجه قرار نگرفته است.

در بخش دوم، چند بحث شکلی دارم؛ من در کنفرانس عبور از بحران که حدود سه سال پیش توسط آقای احمدولی مسعود راه اندازی شده بود، یک بحثی را مطرح کردم که شیوه عبور از بحران در افغانستان تشکیل یک تیوری گاه سیاسی است که متشکل از رییس جمهور برحال افغانستان، رییس جمهور گذشته و رهبر بزرگترین اپوزیسیون باشد و برای ثبات بخشیدن و شیوه های مملکت داری در افغانستان بود.

در بحث شورای عالی ریاست جمهوری دو سه تیوری گاه موجود است یعنی هم رییس اپوزیسیون و هم رییس جمهور اما رییس جمهور قبلی و یا نماینده او که پنج ده سال کشور را مدیریت کرده است و باید تجارب خود را منعکس بسازد در هر چارچوبی اگر باشد بهتر است چون برای مملکت داری ثبات می بخشد.

اگر چند مشاور متخصص هم در این شورا استخدام شوند تنها سمت اجرایی پیدا نکند بلکه جنبه علمی و معرفتی هم پیدا کند تا تضامین علمی و درست تری در آنجا گرفته شود.

در بحث قوه مقننه اشاره شد به سیستم تناسی که نیاز به تشریح دارد که آیا در یک سال آینده که تا انتخابات پارلمانی فرصت داریم امکان تغییر سیستم فعلی بر اساس رأی اکثریت وجود دارد که اگر بلی باید مورد توجه قرار گیرد.

در بحث شورای عالی اقتصادی- اجتماعی از برخی موارد نام گرفته شد؛ در افغانستان به نظر من جز محدودی کشورهایی است که برخلاف این مقوله که می گویند سیاست خارجی در امتداد داخلی است اما ما سیاست داخلی نداریم حالا چه رسد به سیاست خارجی؛ در این شورا به دلیل نیاز افغانستان به جامعه جهانی وزیر خارجه جزوه اصلی شورای عالی اقتصادی باشد.

در بحث شورای امور اجتماعی و فرهنگی خوب است که شورای عالی علمی اجتماعی و فرهنگی شود چون بزرگترین نیاز افغانستان به دانش است و این شورا بتواند امتداد دانش در افغانستان را تسریع ببخشد و در این بخش تحول ایجاد کند.

در قسمت شورای هماهنگ کننده امور امنیتی یک ابهامی وجود دارد

که ارتباط این به شورای امنیت چیست و خوب است که این شورا در چارچوب شورای عالی عمومی امنیت ملی ادغام شود برای پرهیز از بروکراسی های زمان سوز که اگر ما در این پروسه این بروکراسی را بگذاریم به زودی به نتیجه نمی رسیم.

آخرین بحثی را که دارم این که اگر در بحث های پسان تر استراتژی های دست یابی به هر کدام این مراحل و نتایج ملموس آن را در حکومت داری مطرح کنیم بسیار خوب است.

مهمتر از همه چیز اینکه، طرحی که در این جا بحث می شود مورد توجه هر دو تیم اگر قرار گیرد تا مباحث مطرح شده بتواند به تمام آنچه ساختار حکومت آینده است را کمک کند.

## اجمل بلوچ زاد/ فعال مدنی

بحث این است که امروز ما در زمانی قرار گرفته ایم که در کنفرانس بن صحبت می شد و بعد از آن تلاش شد که روی حکومت انتقالی و حکومت موقت صحبت شود و روی لویه جرگه بحث شد و قانون اساسی ایجاد گردید؛ همه این موارد در یک نوع عجله و سرخوردگی همه با هم ساخته و تا اینجا رسید.

امروز بحث حکومت وحدت ملی به عنوان یک راهکاری برای شکستاندن بن بست انتخاباتی مطرح شده است؛ این طرح می تواند مشکل افغانستان را حل کند.

تجارب نشان می دهد که حکومت وحدت ملی در بسیاری از کشورها چندان موفق هم نبوده است؛ اگر اشتباه نکنم در لوکزامبرگ، ایرلند شمالی نمونه این گونه حکومت داری را ساختند و بعد افرادی که ایتلاف کرده بودند و در قدرت سهیم بودند به راحتی توانستند تا به حکومت ها صدمه بزنند.

امروز بحث اساسی آجندای ملی باید این باشد که آیا می شود از دل این بحران انتخابات را سالم بیرون آوریم.

آیا کسانی خارج از انتخابات ماندن و در این پروسه شرکت نکردند خواست ها و آرزوی های آن ها را می توانیم از این دریچه پاسخ گو باشیم و یا آیا می شود دموکراسی و قانون مداری را پیاده سازیم؟

بحث من این است که تفرقه بسیار عمیق است و این دو تیم و گروه های دیگری که در افغانستان قرار دارند اگر دو تیم این حکومت را بسازند خوشبین نیستیم؛ چون همین جمع می آیند منتقد حکومت و ناظر آن می شود بعد از دو سال باز هم در رسانه ها ظاهر خواهند شد و این حکومت را نقد خواهند کرد و اشتباهاتی که در بن و در لویه جرگه قانون اساسی صورت گرفته بود، باز هم تکرار خواهد شد.

در اخیر می خواهم بگویم که حکومت وحدت ملی زور آزمایی خواهد داشت و قدرت به گونه یی تقسیم خواهد شد که هر کسی که از دارای وزارت مالیه مصرف کرده بود باید در حکومت جایجا گردد.

کسانی مافیا هستند در فساد دخیل و انتخابات افغانستان را به بحران بردند در حکومت آینده حضور خواهند داشت؛ پس باید این حکومت آسیب شناسی شود تا دیده شود که این نیاز می تواند حکومت داری آینده را درست بسازد و یا خیر.

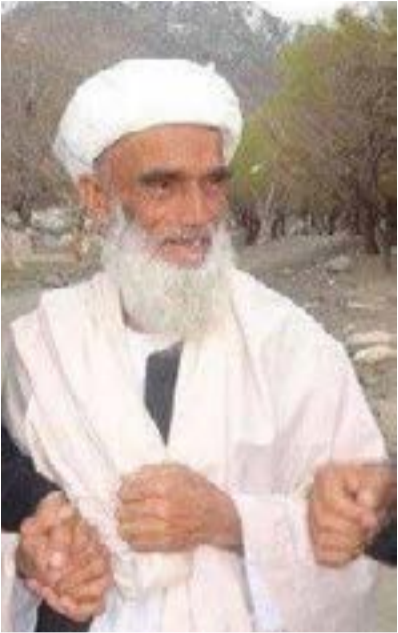
اپوزیسیون که در این جا مطرح شده است باید از دل انتخابات بیرون می شد و این اپوزیسیون مصنوعی است و اپوزیسیون است که هیچ گونه طرحی برای حکومت وحدت ملی و برای بیرون شد از بحران ها و چالش ها نخواهد کرد و این اپوزیسیون در دل حکومت وحدت ملی ذوب می شود و در نهایت پنج سال حکومت کج دار پیش خواهد رفت و در نهایت انتخابات آینده معلوم نیست.

آیا در آینده جوانان از دانش و انرژی خود در انتخابات سرمایه گذاری خواهد کرد و این بحث های بسیار مهم است که آرزو دارم روی آن تمرکز شود.

ملا محمد اسماعیل

# فرمانده دانشمند و شجاع

محران موحّد



ملا محمد اسماعیل، یکی از مجاهدان و مقاومت گران نستوه و آزاده پنجشیر، به ابدیت پیوست. از وقتی که خبر وفات ملا محمد اسماعیل را شنیده ام بارها و بارها زندگی این مرد تاریخ ساز را در ذهن خود مرور کرده ام و در مورد رشادت های این مرد نستوه خیلی اندیشیده ام.

ملا محمد اسماعیل از نسل آدم هایی در سرزمین ما بود که حالا کاملاً یا تقریباً منقرض شده اند؛ آدم هایی که آرمانی می اندیشیدند و برای رسیدن به آرمان های خود از همه چیز می گذشتند و خمی بر ابرو نمی آوردند. او برخلاف بسیاری از همسنگران، پس از سقوط رژیم طالبان، آرمان های خود را فراموش نکرد و تا واپسین لحظه های حیاتش مجاهد و مبارز باقی ماند.

ملا اسماعیل، توانایی شگفت انگیزی در تحمل درد و رنج داشت. او چند تن از اعضای خانواده خود را در جهاد با روس ها از دست داد، اما چینی بر جبین نینداخت و شکیبایی خود را از کف نهاد و در عزمش خللی وارد نشد. در دوره مقاومت برضد طالبان، در وضعیتی که به تعبیر قرآن، «دل ها به گلوگاه ها رسیده بود» و نفس ها در سینه ها حبس شده بود و آن هایی که توانایی بیرون رفتن از کشور را داشتند یک لحظه درنگ را جایز ندانسته بودند و به بیرون از کشور فرار کرده بودند؛ ملا محمد اسماعیل، گروه «فدائیان» را تشکیل داد و لباس رزم پوشید و با «طالبان نیرومند و شکست ناپذیر» به مصاف رفت و به آن ها پاسخ دندان شکن داد. طالبان از بس از رشادت های ملا اسماعیل و گروهش متعجب شده بودند او را «ملا عزرائیل» لقب داده بودند.

مشکل تاریخ و تاریخ نگاران این است که همیشه از گردن کلفت ها و آدم های چشم پرکن سخن می زنند، و گرنه در واقع امر، سطر کتاب مبارزات آزادیخواهان مردم این آب و خاک توسط ملا محمد اسماعیل ها و صوفی دهشکه ها و دیگر مجاهدان گمنام و عیار و بی ریا و بی مدعا نوشته شده است. کتاب زندگی ملا محمد اسماعیل های ما سرشار است از داستان های شگفت انگیزی که با حماسی ترین داستان های ادبیات جهان

برابری می کند، اما چرا تاریخ هیچ توجهی به این داستان ها نمی کند و فقط به ارباب زر و زور می پردازد؟

نکته تامل انگیز در مورد زندگی ملا محمد اسماعیل این است که پس از سقوط طالبان، بسیاری از کسانی که هیچ نقشی در مبارزه برضد طالبان نداشتند از فرش به عرش رسیدند و یک شبه میلیونر و میلیاردر شدند، اما زندگی درویشانه او چندان تغییری نکرد و از ثروت خیالی ای که از برکت مبارزات وی و امثال وی به دیگران رسید به وی چیزی نرسید و نیز هیچ منصب دولتی ای به او تعلق نگرفت. راست گفته اند که انقلاب ها فرزندان صادق خود را می کشد.

ممکن بود از بسیاری از عقاید و افکار ملا محمد اسماعیل، خوشت نیاید، اما ممکن نبود در برابر عزیمت و شهامت و اخلاص و صداقتش سر تعظیم فرود نیاوری و ادای احترام نکنی. ما وام دار او و امثال او از مبارزان راه آزادی (البته آن هایی که به آرمان ها وفادار ماندند و به آرمان ها خیانت نکردند) هستیم و حق نداریم در برابر شکوه آن ها فروتنی نکنیم و به عظمت آنان اعتراف نوزیم. ما به وجود یلان دشمن شکن و اسطوره سازی چون ملا محمد اسماعیل، خیلی نیازمندیم چرا که دشمن بار دیگر تا پشت دروازه های ما رسیده و هر لحظه مترصد فرصتی است تا ما را قلع و قمع کند.

**imc** د ازاډو رسنیو کنسرسیوم / کنسرسیوم رسانه های آزاد  
independent media consortium

تمرکز پرورخنیو  
مهم موضوعگانو

فساد	قاکنی	خوانان
بنخو	معلولین	پرمختک
مدنی ټولني	همبستگي	بشري حقونو

# Mandegar

## وزیر اقتصاد:

### افغانستان تا ده سال دیگر به خودکفایی اقتصادی می‌رسد



وزیر اقتصاد کشور اعلام کرده است که افغانستان تا ده سال دیگر به خودکفایی اقتصادی می‌رسد مشروط بر اینکه برنامه توسعه‌ی اجرایی شود. وزیر اقتصاد می‌گوید که برای رسیدن به خودکفایی نیاز به جهاد اقتصادی است روندی که به گفته او موانع اقتصادی از سر راه توسعه کشور برداشته شود عبدالهادی ارغندیوال به خبرنگاری بخدی گفت: «ما برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی را ترتیب دادیم، اگر این برنامه عملی شود من مطمئن هستم که بعد از ده سال افغانستان کشوری خواهد بود که روی پای خود ایستاده می‌شود.

آقای ارغندیوال می‌گوید: این برنامه تمامی جوانب اقتصادی افغانستان را در نظر گرفته و به گفته او منابع طبیعی و ذخایر زیر زمینی کشور بخشی از این برنامه است.

به گفته ارغندیوال، تنها ارزش ذخایر زیر زمینی، سی درصد خاک افغانستان، براساس بررسی نهاد زمین شناسی امریکا به سه تریلیون دالر می‌رسد.

وزیر اقتصاد گفت که برای رسیدن به خودکفایی نیاز به جهاد اقتصادی است روندی که به گفته او موانع اقتصادی از سر راه توسعه کشور برداشته شود.

اقتصاد افغانستان شدیداً وابسته است و در سیزده سال گذشته بودجه دولت از کمک‌های خارجی بدست می‌آید.

عوايد داخلی افغانستان سالانه سه میلیارد دالر خوانده شده اما امسال رقم بودجه عمومی دولت ۷۸ میلیارد دالر بوده است.

وزیر اقتصاد اما می‌گوید که رسیدن به خودکفایی اقتصادی ناممکن نیست اما به گفته او این کار نیاز به عملی کردن برنامه توسعه‌ی دولت دارد.

موانع بر سر راه برنامه توسعه کارشناسان مسایل اقتصادی می‌گویند که رسیدن به خودکفایی اقتصادی افغانستان راه دشوار گذری است که نشانه‌های آن در حال حاضر در کشور وجود ندارد.

آنها فساد، ناامنی، نبود حاکمیت قانون و اراده قوی دولتمردان را موانع عمده بر سر راه تطبیق برنامه توسعه ای کشور می‌دانند.

عبدالهادی ارغندیوال نیز می‌پذیرد که اگر با فساد مبارزه و قانون تطبیق نشود و همچنان دولت اراده قوی برای عملی کردن برنامه توسعه ای نداشته باشد، اقتصاد افغانستان همچنان وابسته باقی خواهد ماند.

آقای ارغندیوال می‌گوید افغانستان یک کشور فقیر است اما به گفته او ذخایر زیر زمینی و موقعیت تجاری کشور تامین کننده تمامی نیازمندی های اقتصادی افغانستان خواهد بود.

افغانستان قیمت‌ترین سنگ‌های دنیا را دارد که ارزش معادن این سنگ‌ها میلیاردها دالر تخمین زده شده است او تاکید کرد که دولت ها در افغانستان باید براساس استراتژی ملی اقتصادی که برنامه توسعه ای شامل آن است حرکت کنند.

ملاحظه در قانون معادن وزیر اقتصاد از توشیح و اجرایی شدن قانون معادن افغانستان اظهار خرسندی کرد اما او می‌گوید که وزارت معادن باید رهبری و مدیریت توسعه و انکشاف معادن را در دست گیرد.

ارغندیوال در این مورد گفت: «تاکید دارم که وزارت معادن از همین حالا درصدد انکشاف منابع طبیعی افغانستان باشد و این وزارت با نیروی کار که در اختیار دارد در تلاش کشف و استخراج معادن کشور باشد.

به گفته ارغندیوال سپردن تمام کار به شرکت های خارجی به معنی خارج کردن پول بیشتر از کشور است و به گفته او در حوزه کشف، استخراج و پروسس ذخایر زیر زمینی وزارت معادن باید از نیروی بومی و محلی استفاده کند.

او افزود تنها در بخش استفاده از کارمندان فنی و تجهیزات پیشرفته استخراج آنهم اگر در داخل کشور موجود نباشند، از خارج افغانستان کمک خواسته شود. به گفته وزیر اقتصاد، همزمان با آغاز به کار کارمندان فنی خارجی، از نیروی داخلی برای آموزش استفاده شود تا در دو - سه سال آینده این ظرفیت در داخل کشور ایجاد شود.

جامعه جهانی در جریان سیزده سال گذشته، میلیاردها دالر را در بخش های مختلف از جمله صحت، تعلیم و تربیه، امنیت و توسعه شهری در افغانستان به مصرف رسانده اما سرمایه گذاری در بخش زیر ساخت ها و ذخایر زیر زمینی چشمگیر نبوده است.

اتکا به ذخایر زیر زمینی، تمرکز روی برنامه توسعه ای (پنج سال اول و دوم) و تشویق سرمایه گذاری های خصوصی از عوامل بیرون رفت افغانستان از اقتصاد وابسته و کمک های خارجی خوانده شده است.

### پنجمین دور آموزش های تابستانی میدیوتیک افغانستان به پایان رسید

در این برنامه بیش از ۲۵ ژورنالیست و خبرنگار رادیویی از چندین ولایت کشور آموزش های برنامه سازی را فراگرفتند.

این برنامه که به مدت شش روز در کابل راه اندازی گردیده بود اشتراک کننده گان در بخش های متنوع موضوعات مختلفی را فرا گرفتند.

حمید زازی مسوول دفتر میدیوتیک افغانستان می‌گوید، این دفتر در برنامه آموزش های تابستانی خویش که جهت ظرفیت بخشی خبرنگاران کشور از سال ۲۰۱۰ به این طرف دایر می‌گردد، این بار یکی از مهمترین نیاز مندی های عرصه رسانه‌ی کشور یعنی فرصت ها و مسایل نشرات رادیویی در کشور را بحث، و در پیوند با آن به خبرنگاران اشتراک کننده آموزش داد.

او افزود که این برنامه برای آموزش های تیوریکی تخصصیوم چنان آموزه های عملی اختصاص یافته بود که در جریان آنتمیم تجارب با بزرگترین بنگاه های نشراتی... ادامه صفحه ۶

در این برنامه بیش از ۲۵ ژورنالیست و خبرنگار رادیویی از چندین ولایت کشور آموزش های برنامه سازی را فرا گرفتند.

این برنامه که به مدت شش روز در کابل راه اندازی گردیده بود اشتراک کننده گان در بخش های متنوع موضوعات مختلفی را فرا گرفتند.

حمید زازی مسوول دفتر میدیوتیک افغانستان می‌گوید، این دفتر در برنامه آموزش های تابستانی خویش که جهت ظرفیت بخشی خبرنگاران کشور از سال ۲۰۱۰ به این طرف دایر می‌گردد، این بار یکی از مهمترین نیاز مندی های عرصه رسانه‌ی کشور یعنی فرصت ها و مسایل نشرات رادیویی در کشور را بحث، و در پیوند با آن به خبرنگاران اشتراک کننده آموزش داد.

او افزود که این برنامه برای آموزش های تیوریکی تخصصیوم چنان آموزه های عملی اختصاص یافته بود که در جریان آنتمیم تجارب با بزرگترین بنگاه های نشراتی... ادامه صفحه ۶

در این برنامه بیش از ۲۵ ژورنالیست و خبرنگار رادیویی از چندین ولایت کشور آموزش های برنامه سازی را فرا گرفتند.

این برنامه که به مدت شش روز در کابل راه اندازی گردیده بود اشتراک کننده گان در بخش های متنوع موضوعات مختلفی را فرا گرفتند.

حمید زازی مسوول دفتر میدیوتیک افغانستان می‌گوید، این دفتر در برنامه آموزش های تابستانی خویش که جهت ظرفیت بخشی خبرنگاران کشور از سال ۲۰۱۰ به این طرف دایر می‌گردد، این بار یکی از مهمترین نیاز مندی های عرصه رسانه‌ی کشور یعنی فرصت ها و مسایل نشرات رادیویی در کشور را بحث، و در پیوند با آن به خبرنگاران اشتراک کننده آموزش داد.

او افزود که این برنامه برای آموزش های تیوریکی تخصصیوم چنان آموزه های عملی اختصاص یافته بود که در جریان آنتمیم تجارب با بزرگترین بنگاه های نشراتی... ادامه صفحه ۶

### والی هرات:

### امنیت هرات را تا یک ماه دیگر دگرگون می‌کنیم



پس از نا امنی های اخیر در هرات، حالا والی این ولایت گفته که اوضاع امنیتی تا یک ماه دیگر دگرگون خواهد شد.

او به مردم این ولایت وعده داده تا با مدیریت دقیق نظامی، امنیت مطلوب را دوباره به هرات باز می‌گرداند.

این گفته‌ها در حالی است که با وجود برکناری چهار برجسته امنیتی در هرات، هنوز هم صدای ناراضی مردم این ولایت از نا امنی ها به گوش میرسد.

سید فضل الله وحیدی، والی هرات در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهور بیان کرد: افرادی که جدیداً در پست های بلند امنیتی هرات آغاز به کار کرده اند؛ از توان مندی بالایی در مهار نا امنی ها برخوردار می‌باشند.

او نا امنی های اخیر ولایت هرات را از دغدغه های اصلی مردم و اداره محلی دانست.

به گفته والی هرات، در جلسه اخیر شورای نظامی هرات، برنامه های دقیقی برای مقابله با نا امنی ها روی دست گرفته شده و مقامات جدید نظامی، قرار است تا در زودترین فرصت طرح های خود را اجرا کنند.

آقای وحیدی خاطر نشان می‌سازد که مهمترین و ارزنده ترین راه حل مبارزه با تروریستان و عاملان حوادث امنیتی، همکاری مردم با دولت می‌باشد.

به گفته او، مردم هرات بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که نا امنی ها از سوی چه کسانی صورت می‌گیرد و می‌بایست تا در این زمینه، حس مشارکت در تامین امنیت بیش از گذشته به وجود بیاید.

بنا بر برخی آمار که از سوی شماری از منابع مردمی در ولایت هرات ارائه شده، دست کم ۱۰۰ رویداد ترور منجر به مرگ نیروهای امنیتی، متنفذین قومی و مردم عام در ۵ ماه گذشته صورت گرفته است.

اما این در حالی است که فرماندهی پلیس تنها ۲۰ واقعه و شفاخانه ی هرات ۳۰ مورد را تأیید کرده است.

در کنار این معترضانی در هرات از افزایش آدمربایی ها ابراز نگرانی میکنند.

شورای ولایتی و مجمع مردمی هرات هشدار داده اند که اگر در زودترین فرصت این وضعیت تغییر نکند؛ خودشان مقامات دولتی هرات را برکنار و افرادی که به گفته آنان، مسئولیت پذیر هستند؛ به کار می‌گمارند.

در کنار این معترضانی در هرات از افزایش آدمربایی ها ابراز نگرانی میکنند.

شورای ولایتی و مجمع مردمی هرات هشدار داده اند که اگر در زودترین فرصت این وضعیت تغییر نکند؛ خودشان مقامات دولتی هرات را برکنار و افرادی که به گفته آنان، مسئولیت پذیر هستند؛ به کار می‌گمارند.

در کنار این معترضانی در هرات از افزایش آدمربایی ها ابراز نگرانی میکنند.

### روزنبرگ:

### اخراج من از افغانستان غیر قانونی بود



در نخستین بیانات پس از اخراج اش از افغانستان، متیو روزنبرگ گفت که اخراج وی، به ویژه به امر دادستانی کل افغانستان، حتا در تناقض با قوانین افغانستان بود.

روزنبرگ به این باور است که افغانستان دارای قوانین خوب و با تفصیل است که توسط «افغان ها و شماری زیادی از متخصصین که معاشات بسیار بالا را از {کشور های} غربی به دست می‌آوردند، نوشته شده است. ولی {قوانین} احترام نمی‌شود».

به باور آقای روزنبرگ، بر اساس قانون رسانه های افغانستان، دادستانی صلاحیت اخراج یا مجازات خبرنگاران را ندارد.

این خبرنگار امریکایی می‌گوید که فرمان اخراج وی از افغانستان به دستور حامد کرزی، رییس جمهور آن کشور، صورت گرفته است.

آقای روزنبرگ یکی از مشکلات عمده را قدرت فوق العاده رییس جمهور در آن کشور عنوان می‌کند که به نظر وی... ادامه صفحه ۶

### روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

<p>برای دانشجویان و اساتید دانشگاه</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>دفاتر خارجی</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰ دالر</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰ دالر</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰ دالر</p> <p>یک ساله - ۴۰۰ دالر</p>	<p>نارسییده به منزل یا دفاتر</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>برای دفاتر</p> <p>سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی</p>
--	--	--	---

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰